بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خارج فقه جلسه83...21/10/1399

العروة الوثقى (كاظم يزدى)    ج‏1    105     الثالث من المطهرات: الشمس ..... ص : 105

الثالث من المطهرات: الشمس‏

( فصل فی المطهرات : الشمس - اشکال استاد به نظر دو تن از بزرگان از روایت موثقه عمار که مطهریت خورشید را استفاده نکردند - روایت سوم از مطهریت خورشید - اشکال سندی آن و جواب بزرگان از این اشکال )

مرحوم محدث کاشانی و شیخ بهایی اعلی الله مقامهما الشریف موثقه عمار ساباطی را حمل بر موضع عفو کردند و از این موثقه مطهریت شمس را استفاده نکردند دلیلشان ذیل حدیث است که دارد و إن کان غیر الشمس اصابه حتی ییبس فانه لا یجوز ذلک که در نسخه دیگری بجای کلمه غیر ، عین امده و کلمه إن ، وصلیه است و جمله فانه لا یجوز ذلک تاکید همان مضمون قبلی است و آن این است که اگر موضع نجس مرطوب باشد مادامی که مرطوب است نماز خواندن در آنجا جایز نیست ولی اگر خورشید تابید و خشک شد نماز خواندن در آنجا جایز است بنابراین امام علیه السلام تاکید میکنند که اگر خورشید در انجا نتابید و خود بخود خشک شد و یا با باد خشک شد نماز در آن موضع نجس جایز نیست پس موثقه اشاره به جواز نماز و عدم جواز دارد و اشاره به مطهریت شمس ندارد

◼️ نظر استاد : این بیان فوق از جهت ادبی و نسخه مشکل دارد :

◼️ اما از جهت ادبی : إن نمیتواند وصلیه باشد چون عبارت حتی ییبس غایت است و غایت نیاز به مدخول بها دارد و مدخول بها باید قطعی و مفروض الوجود باشد و با فعل مضارع نمیسازد چون مفروض الوجود و قطعی با افعال ماضی مناسبت دارد مثلا اکلت السمک حتی راسها و نمیگوییم حتی نأکل راسها که نمیشود آینده و آینده با حتی نمی سازد و در اینجا عین الشمس اصابه با فعل ماضی آمده اما غایت با مضارع امده حتی ییبس و تناسبی با إن وصلیه ندارد

علاوه بر اینکه ییبس بنابر نسخه عین الشمس خلاف ادبیات عرب است و ضمیر به عین الشمس که بر میگردد مؤنث است چون هم عین و هم شمس مؤنث مجازی است بله اگر فعل مقدم و فاعل مؤنث مجازی اسم ظاهر باشد دو وجه جایز است طلع الشمس و یا طلعت الشمس اما الشمس طلعت درست است نه الشمس طلع و در ییبس اگر ضمیر بخواهد برگردد باید تیبس می شد

◼️ اما اشکال نسخه : اگر کلمه عین بجای اینکه باشد نباید گفته شود اصابه بلکه باید اصابته گفته شود اتفاقا در نسخه مرحوم شیخ طوسی ره و در نسخه کافی غیر الشمس اصابه آمده که به نظر میرسد این نسخه صحیح است

◼️ خلاصه اینکه موثقه عمار در باره مطهریت شمس دو تا فصل دارد :

فصل اول : این است که راوی از امام پرسید که اگر گوشه ای از خانه نجس باشد و خورشید به آن نقطه نتابد چه حکمی دارد امام فرمودند نماز بر آن مکان جایز نیست و آن موضع را نشانه بگذار و بعدا شستشو شود

فصل دوم : اگر شمس بر ان موضع نجس تابید امام امر به جواز نماز فرمود ند و امر به شستن نکرد چون لابد امام خورشید را مطهر میدانند که در اینجا امر به شستن نکردند بر خلاف بالا

◼️ منها : روایت سوم از ابی بکر حضرمی عن ابی جعفر علیه و قال ما اشرقت علیه الشمس فقد طهر به همین سیاق هم از امام باقر علیه السلام نقل شده که «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ ع‏ يَا أَبَا بَكْرٍ كُلُّ مَا أَشْرَقَتْ‏ عَلَيْهِ‏ الشَّمْسُ فَهُوَ طَاهِرٌ.»( تهذيب الأحكام (تحقيق خرسان) / ج‏2 / 377 / 17 - باب ما يجوز الصلاة فيه من اللباس و المكان و ما لا يجوز ..... ص : 355)

به حسب ظاهر این دو نقل یک روایت است و صراحتا میفرماید شمس مطهر است و اشاره به خشک شدن موضع نجس هم ندارد ◼️ این عدم تعرض باعث نمیشود که در دلالت حدیث مناقشه شود چون :

◼️اولا : غالبا با تابش خورشید محل نجاست خشک میشود و امام به همین حساب جفاف و یبوست را ذکر نفرموده

◼️ ثانیا : به حسب عادت و عرف یبوست با تابش خورشید است و لازمه تابش خورشید عادتا خشک شدن است لذا امام علیه السلام به تابش خورشید اشاره کرد و خشک شدن را به همان عرف و عادت واگذار کردند

◼️ ثالثا : اگر این دو راه را قبول نکنید ، به حدیث خدشه وارد نکنید بلکه را ه سوم این است که حدیث عام است و موثقه عمار و صحیحه مقید به جفاف است و اطلاق این حدیث را تقیید میزند که تابش خورشید مقید به جفاف موضع نجس است

◼️ اشکال مهم به این حدیث : از نظر سند است یکی اینکه عثمان ابن عبدالله در سند حدیث مجهول است و دیگر اینکه ابی بکرحضرمی توثیق ندارد و وثاقت آن ثابت نیست لذا مثل آقای خویی این حدیث را کنار گذاشت اما مثل سید حکیم و امام ره و مراجع عظام فعلی به این حدیث استناد کردند

◼️ علت قبول حدیث از نظر بزرگان : به سبب وجود احمد بن محمد بن عیسی اشعری در سلسله سند حدیث است که این شخص هم در نقل مفید و شیخ طوسی و هم روات اهل قم در روایات از ایشان خیلی نقل کرده اند وجود چنین شخصی در سند روایت باعث استناد به این روایت میشود چون روات قمی میگویند این آقا انقدر حساس بود که اگر کسی در قم زندگی میکرد و حدیث ضعیفی را نقل میکرد او را از قم بیرون میکرد حال چنین فردی از کسی که ما نمی شناسیم و در علم رجال چیزی نیامده نقل کرده یقینا آن طرف مرد موثقی است که دارد از او نقل میکند. البته مبنای استاد در علم رجال هم همین است و استاد میفرمایند که چنین قاعده ای غیر از امام علیه السلام صادر نمی شود کلما اشرقت علیه الشمس فهو طاهر ، با توجه اینکه درباره مطهریت شمس فقها اختلاف دارند و نمیتوان گفت این عبارت مضمون فتوای فقیه است چون دارد کلما اشرقت و فقیه در بین این اختلاف نمیگوید کلما اشرقت و این را ما درعلم اصول ، موثوق به می نامیم که این متن از امام علیه السلام صادر شده است